



■ جعفر مدنی زادگان

دو نقطه عطف...

پالایشگاه نزدیک اروند دستگاه های تراش را راه انداختند و به تعمیر سلاح های جنگی پرداختند ، گروه دیگری آب و برق و مخابرات رزمندگان مستقر در جزیره را تأمین کردند. عده ای هم در آن هنگامه ، با امکانات بر جای مانده از پالایشگاه ، تغذیه رزمندگان را بر عهده گرفتند. گروه های سپاه مأمور شدند تا نیروهای مردمی و اعزامی از شهرستان را سازمان دهند ، پشتیبانی و در عملیات آزادسازی از حصر مشارکت کنند که حاصل این فعالیت ها ، ۱۷۷ شهید پالایشگاه آبادان است .

این حضور عاشقانه در جزیره ای که از سه طرف آماج گلوله باران دشمن بود ، تنها با اتکا به حضرت دوست و برای جلوگیری از تصرف آبادان که برای کشور و تمامیت ارضی جنبه حیاتی داشت ، صورت می گرفت. در این معرکه شرف و خون ، محور ساماندهی دل دادن ها ، توکل ها و نماد دینی و ملی ما حاج آقا جمی بود . دومین نقطه عطف تاریخ آبادان و ایران که توسط این وجود عزیز مخلص متصل به حضرت حق جلوه کرد ، نقش آفرینی در واقعه تاریخی جلوگیری از انهدام پالایشگاه آبادان بود. در ایامی که فشار دشمن بسیار زیاد شد و بیم سقوط آبادان حتمی بود ، اطلاع دادند که بایستی کلیه دستگاه های پالایشگاه آبادان را منهدم مبر برای اینکه مورد بهره برداری دشمن قرار نگیرد ، به اصطلاح سیاست زمین های سوخته را اعمال کنیم پالایشگاهی که عامل محرک پیروزی انقلاب اسلامی بود ، سنگری که تا آن روز با وضو وارد آن می شدیم . چون ورود به پالایشگاه برای کار در بحبوحه جنگ به منزله جراحی یا شهادت بود . داربست بندی دور دستگاه ها ، محافظت اتاق های کنترل ، تخلیه مواد سوختی و سوزاندن قیر و لاستیک های فرسوده در طول ایام درگیری برای فریب دشمن را با هزاران مشقت انجام داده بودیم و اینک قرار بود با دست خودمان همه آنها را منهدم کنیم ! هیهات! باز النجا و پناه بردن به حاج آقا جمی بود و تحصن در منزل محقر و مگر از روی نعمان بگذرند!

و آنگاه پایمردی آقای جمی بود و اصرار به مقامات و استقامت ایشان بر این مطلب که نه من و نه این بچه ها ، پالایشگاه را منهدم نمی کنیم. این پالایشگاه همه الهی است از سوی خداوند و این بچه ها که اسباب الهی بودند و پالایشگاه را محافظت کردند ، چنین فرمانی را اطاعت نخواهند کرد. ما با جان خودمان از شهر محافظت خواهیم کرد و پالایشگاه به دست دشمن نخواهد افتاد.

این ، دو نقطه عطف و نقش آفرینی پیر مهران حاج آقا جمی است که به ایجاز از صدها همراهی و حماسه سازی این بزرگمرد ، تقدیم تاریخ انقلاب اسلامی می شود . ■



از کم کاری و اعتصاب ، هیهات و محال و پیامد آن ، دستگیری ، مرگ و نیستی بود؛ اما ژرف نگری ، مقاومت و تدابیر الهام گونه این تنها روحانی منادی خط امام (ره) در آبادان بود که ما گروه اندک و کوچک را راهبری می کرد که چگونه کارکنان پالایشگاهی را که در آن مذهب و انقلاب ، راه داشت ، آگاه کنیم ، مخفیانه اعلامیه امام را تکثیر و در جاهای مختلف پالایشگاه ، برای دسترسی کارکنان ، پنهان کنیم و سرانجام با مشقت و خون دل خوردن های زیاد ، این مجتمع عظیم صنعتی جهان به اعتصاب کشیده شد ، نقطه عطف اعتصاب کارکنان شرکت نفت که موجب گسترش آن به سایر پالایشگاه ها و سایر تأسیسات صنعت نفت ایران شد ، کسی نبود جز پیر مهرافروز ما حاج آقا جمی ، همونی که با پایمردی ، در سخت ترین شرایط اعتصابات ، نگذاشت عقب نشینی کنیم و با تماس و ارتباط با مسئولین ، اتکال بر خداوند سبحان و استقامت در ادامه اعتصابات در پالایشگاه ، نقش بارزی را در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد .

زمان زیادی از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نگذشته بود که دشمنان این مرز و بوم که دستشان از غارت و چپاول سرمایه های مہمنمان کوتاه شده بود ، آبادی آبادان را تحمل نکردند و با تحمیل جنگ در صبحگاه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ، هنگام که خورشید از پشت نخلستان های اروند رود خود را بالا می کشید ، شهر را به خاک و خون کشیدند . هر صدای انفجاری ، خبر از شهادت عزیزانی می داد . تمامی شهر سنگر شده بود . پالایشگاه آبادان آماج بمباران ها و گلوله های انواع سلاح های جنگی قرار گرفت . مرکز ملامال از فرآورده های نفت شد و ۱۸۰۰۰ پرسنل پالایشگاه ، سرگردان شدند و بیکباره ، شیرازه امور به هم ریخت . مردم برای امداد رساندن بسج شده بودند ، اما وسعت فاجعه هر لحظه افزون تر می شد . قطع آب برق ، ارتباطات ، سوخت و از سویی شهادت بی در پی عزیزان ، ماندن در شهر را دشوار و دشوارتر می کرد ، نه پناهگاهی و نه فرصتی برای سامان دادن به بحران به وجود آمده در جزیره ، تأمین سوخت ارتباطات ، ترابری ، امکانات درمانی و بهداشتی ، تدارک غذا ، انجام امور خدماتی ، تعمیراتی ، مهندسی و ده ها مورد دیگر ، از سازمانی مورد انتظار بود که خود آماج سهمگین ترین حملات دهنمشانه قرار گرفته بود .

بچه های اندک آن روز که در مدرسه جمی مقاومت ، صبوری و قناعت را فرا گرفته بودند ؛ اینک بعد از فریب دو سال گداختگی ، مردانی بودند که هر کدام در این هنگامه آتش و خون در پالایشگاه و سپاه و فرمانداری و مراکز مورد نیاز ، با اهتمام همان روح قدسی همراه شدند .

گروهی پالایشگاه را در زیر حملات دشمن از مواد نفتی خالی کردند ، کالاهای گرانبه پالایشگاه را با هزاران مشقت و به رغم محاصره آبادان ، از راه آبی منتهی الهی شرقی جزیره به نقاط امن منتقل کردند. گروهی دیگر ، سوخت جنگ را از میان دود و آتش پالایشگاه جمع آوری و در نقاط امن جزیره برای طول جنگ ذخیره کردند. گروه دیگری به منظور جلوگیری از آسیب بیشتر ، کلیه دستگاه های پالایشی را زیر پوشش گونی های شرف و پینکه های مملو از خاک قرار دادند. عده ای دست به کار سنگر سازی و ساخت سازه های مورد نیاز جنگ شدند. جان بر کفانی که در کارگاه مرکزی

در سفرنامه ناصر خسرو آمده است: «عبادان بر کنار دریانهاده است ، چون جزیره ای که شط آن چادو شاخ شده است ، چنان که از هیچ جانب به عبادان ، نتوان شد الا که به آب گذر کنند.» در دورترین نقطه جنوب غربی سرزمین پهناور ایران جزیره ای قرار دارد که از جنوب ، آب های گرم خلیج فارس و از شمال و شرق ، رودخانه های کارون و بهمنشیر و از غرب ، اروند رود ، آن را احاطه کرده اند . نفت ، عبادان را آبادان کرد. تاریخ شهر آبادان با تاریخ صنعت نفت و پالایشگاه آبادان پیوند خورده است. بیش از نود سال پیش اولین چاه نفت در ایران و در منطقه مسجد سلیمان به نفت رسید و باعث شد که در سال های بعد ، پیر استعمار انگلیس اقدام به احداث و گسترش تأسیسات عظیم استحصال و صدور محصولات نفتی کند. جزیره آبادان به خاطر ویژگی های منحصر به فرد آن ، برای احداث پالایشگاه انتخاب شد .

در سال ۱۲۸۹ شمسی ساخت پالایشگاه آبادان با ظرفیت ۱۲۰۰۰ تن در سال شروع شد و ظرفیت آن ، در سال های بعد به تدریج افزایش یافت و در سال ۱۲۹۹ شمسی به یک میلیون تن در سال رسید. در سال ۱۲۹۲ شمسی با تکمیل تأسیسات پالایشگاه و مرکز صدور ، به عنوان نخستین تأسیسات عمده صنعتی در منطقه و با ۶۳۰ هزار بشکه تصفیه نفت خام ، بزرگترین پالایشگاه جهان شد . در سال ۱۲۹۰ شمسی ساختمان اولین منزل سازمان شرکتی بنا گذاشته شد و در واقع شالوده شهر آبادان نهاده شد و به این ترتیب شهرنشینی در آبادان ، جزیره آرامی که قرن ها ، زندگی را در سکوت و آرامش روستایی گذرانده بود ، آغاز شد . نفت تغییرات ساختاری وسیعی را در این جزیره و تأثیرات شگرفی را در بنیادهای اجتماعی آبادان به وجود آورد . پالایشگاه آبادان نه تنها در مقیاس کشور ، بلکه در سطح جهانی نیز از موقعیت خاصی برخوردار بود . آبادان به واسطه موقعیت حساسی که در اقتصاد نفت و گردش صنایع کشور داشته و نیز به دلیل موقعیت استراتژیک ویژه ، همیشه در زمره نقاط مورد توجه بوده است . این حساسیت موجب شده بود که چرخه کار ، زندگی ، روابط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ، پیوسته از سوی سازمان های امنیتی رژیم سابق در آبادان تحت کنترل شدید باشند . پالایشگاه آبادان ، ساواکی جداگانه با تشکیلات پیچیده و با

نقطه عطف

نقطه عطف اعتصاب کارکنان شرکت نفت که موجب گسترش آن به سایر پالایشگاه ها و سایر تأسیسات صنعت نفت ایران شد ، کسی نبود جز پیر مهرافروز ما حاج آقا جمی ، همونی که با پایمردی ، در سخت ترین شرایط اعتصابات ، نگذاشت عقب نشینی کنیم و با تماس و ارتباط با مسئولین ، اتکال بر خداوند سبحان و استقامت در ادامه اعتصابات در پالایشگاه ، نقش بارزی را در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد .

۴۰۰۰ منبع خبردهی داشت . حضور ۱۸۰۰۰ نیروی کار در این آورده گاه صنعتی بزرگ با فرهنگ های گوناگون از اقوام مختلف ایرانی ، ایجاد یک انسجام ارگانیک را مشکل می ساخت. یکی از اجزای متشکله فرآیند انقلاب اسلامی ، اعتصابات صنعت نفت در اواخر دوره پهلوی است که نقش بارزی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت ، زیرا نفت سرمایه اصلی اقتصادی - سیاسی رژیم شاه بود که به اتکالی آن ، اقتصاد داخلی را به گردش در می آورد و در عرصه بین المللی نیز برای خود اعتبار ایجاد می کرد تا حامیانی را به دست آورد و خود را تسلیح کند. برای معدود بچه های مسلمان داخل پالایشگاه که در ابتدا تعدادشان از انگشتان دست هم کمتر بود ، اهمیت این موضوع کاملاً ملموس و قطع شریان نفت حیاتی می نمود . این درک و ایجاد نقطه انسجام در پالایشگاه حساس آبادان که با کنترل شدید محافظت می شد ، تنها با محوریت یک روحانی به وجود آمد که در آن روزها بادیگران خیلی متفاوت بود. او به جای نعلین ، کفش ورزشی ساده ای به پا داشت که در گریز از معرکه های انقلابی شهر و در فراری دادن سخنرانان انقلابی از مجالس نیز همان را به پای می کرد . ایجاد اخلاق در پالایشگاه منضبط آن زمان و سخن